

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

میرحسین مهدوی

۰۷.۱۰.۰۹

گوش خر بفروش و دیگر گوش خر سخنی با آقای همایون غفوری

وبسایت "افغان جرمن آنلاین" در ادامه ترویج نفاق بین اقوام، حمله به زبان دری، توهین به هویت ملی اقوام و قبایل کشور، اینک اقدام به نشر مطلبی تحت عنوان "افغانستان در چنگال مسیحیت و تهدید تشیع" به قلم همایون غفوری نموده است تا به جنگ بین مذاهب کشور دامن بزند. نشر مقاله نویسنده طالب مشرب و تفنگ اندیش در وبسایتی که حد اقل ادعایش تلاش برای آزادی و آگاهی است هیچ توجیهی ندارد و نمی تواند هدفی جز روشن کردن چراغ فتنه قومی- مذهبی به همراه داشته باشد.

آقای همایون غفوری که محصل علوم دینی در مدارس عربستان سعودی و ساکن همان کشور می باشد در این مقاله حتی از مواضع وهابیت و ابن تیمیه نسبت به مذهب تشیع پارا فراتر نهاده و گفته ها و نا گفته های سران القاعده، به ویژه اسامه بن لادن و زرقاوی را بازگو نموده است. دلایل و سخنان آقای غفوری آنچنان کودکانه و بی اساس اند که هر کسی - به غیر از آنانی که توسط گروه القاعده شستشوی مغزی شده اند- را به خنده می اندازد. به نظر ایشان آمریکا به این دلیل به افغانستان لشکر کشی کرده تا افغانستان را به شیعیان افغانستان تسلیم کند و بعد شیعیان آنرا دو دستی به ایران بفروشد. ایشان می گوید "از جمله فعالیت های امریکا در افغانستان مبنی بر تسلیمی زعامت این کشور به شیعه های افغانی که در دراز مدت این عمل - طبق پلانگذاری آنها - به تسلیمی افغانستان به ایران خواهد انجامید". البته هرکسی غیر از آقای غفوری می داند که علت العلل لشکر کشی آمریکا به افغانستان چه بوده و آمریکا آنرا به چه کسی و به چه قیمتی واگذار کرده است. بعد از این مقدمه چینی خنده آور، ایشان مذهب تشیع را زاده فتنه انگیزی دشمنان اسلام دانسته و می گوید: "هیچ قدرت روی جهان نتوانسته با اسلام و مسلمانان راستین رویارویی کند. سپس از قدیم الایام بخاطر فتنه انگیزی، مذهب شیعه را ساختند و در هر نبرد علیه اسلام و علیه خلافت اسلامی از همین مذهب استفاده کردند". وی در ادامه مذهب شیعه را عقیده فاسد و "مفسد فطرت" نامیده و

ادعا می کند که آمریکا برای جلوگیری از نشر اسلام در غرب در صدد است که مذهب شیعه را جایگزین مذهب اهل سنت کند.

آقای غفوری با "گورپرست" خواندن شیعیان دعا‌های مرسوم در بین اهل تشیع (دعای جوشن کبیر، دعای ابوحمزه ثمالی و ...) را "شرکیات" نام می نهد و می گوید "فقط همینقدر میگویم که این دعا ها از سر تا به آخر مبنیست بر شرکیات و دشنام و لعن گفتن به صحابه و تشویق شیعه ها به انتقام گیری خون حسین از سنیان". در ادامه این بحث وی با گله از ربانی و نصیحتی به قول خودش "از باب اخلاء" به سیاف می نویسد "ربانی در مجالس عزای شیعه ها در تکیه خانه حاضر میشود و دشنام صحابه میشوند! و استاد سیاف "محقق" را استاد میگوید. ای شیخ سیاف! آیا این محقق همان محقق نیست که یک وقت معاون عبدالعلی مزاری بود و در جنگهای اینها صد ها مجاهد اتحاد را قربان کردی؟ بخدا شرم است".

با این مقدمه چینی سرانجام آقای غفوری به این نتیجه می رسد که مذهب تشیع در افغانستان ریشه و پایه ندارد و شیعیان خارجی هایی هستند که بر اثر حوادث تاریخی به کشور آمده و فعلا مهمان افغانستان هستند نه شهروندان آن می نویسند: "و یک نصیحت افغانی و کردکی هم به شیعه ها و مدیران رسانه های شیعه مشرب در افغانستان دارم: این ملت سنی است و این کشور سنی است. مذهب شیعی کدام اصل تاریخی درین کشور ندارد. شیعه های موجود در اثر حوادث متعدد تاریخی درین کشور جا گرفته اند. پس نباید مهمان صفتی شانرا فراموش کنند. تا نشود که میزبان شیوه دیگری اختیار کند. به ضرب المثل بسیار مشهور کشور که میگویند "شعله ات را بخور پرده ات را بکن" عمل کنید".

وی اکثریت مطلق شیعیان افغانستان را عاشقان سینه چاک فرهنگ ایران دانسته و می نویسد "اکثریت مطلق شیعه های مناطق هزاره نشین امروزی افغانستان، ولاء و وابستگی شان به فرهنگ و کلتور جامعه ایرانی قویتر از احساس افغانیت است". و سرانجام به نظر نویسنده اکثریت مطلق مردم افغانستان از دین شان بی خبر اند و تنها عده قلبی می داند که خدا را چگونه پرستش کنند. وی می گوید: "مردم افغانستان در اثر خبانت‌های پیهم حکومت‌های غیر شرعی و لادین، از دین خود بکلی بیخبر اند. بیست فیصد یا کم و بیش از این، شاید اندک بدانند که اسلام یعنی چه و خدا را چگونه باید عبادت کرد. متباقی همه باوجود دینداری و عشق به دین و تدین، مگر در حالت لاعلمی از اساسات اسلام و شریعت نمیدانند که اسلام چیست و خدا را چرا و چگونه عبادت کنند".

با بازگویی گوشه ای از نظریات آقای غفوری، به نظر می رسد که ایشان گرفتار یکی از دو حالت زیر باشد. احتمال نخست اینست که ایشان تحت نظر سازمان استخباراتی عربستان سعودی، در راستای ترویج و نشر افکار القاعده و برای تخریب وحدت ملی مردم افغانستان و ایجاد فتنه و دشمنی کار می کند. وی در سراسر مقاله خود از "مسلمانان اصیل" و "پیروان حقیقی" دین سخن می گوید و به اشاره، دیگران را یا مسلمانانی جاهل و یا جاهلان مسلمان می خواند که در حقیقت همان سخن القاعده و سران تندرو این جنیش ضد انسانی است. اگر این احتمال صحت داشته باشد، سخن گفتن با وی کاملا بیهوده است. کسی که خود، ایمان دینی و وطنش را به عربستان سعودی فروخته باشد هیچ سخنی را نخواهد شنید و اگر بشنود نخواهد فهمید.

احتمال دوم هم اینست که ایشان به دلیل نداشتن آگاهی کافی از دیانت و همچنین مسایل روز، چون گنگ خواب دیده ای، هر از چندی از خواب بر می خیزد و خواب آلوده سخنی می گوید و سخنش هنوز به فهم نرسیده دوباره به خواب می رود. کسی که یک کتاب از سید قطب، چند خط در مورد جنبش اخوان المسلمین، دو ورق در مورد دلایل عقب ماندگی جهان اسلام، چهار خط هم از چهار کتاب در مورد اصول دین و خوانده باشد و هیچکدام را هم به

درستی نفی‌ده باشد همان می‌شود که بر آقای غفوری رفته است. اینک با قبول فرضیه دوم، توجه آقای غفوری را به نکات ذیل جلب می‌نمایم:

۱- جنبش اسلامی طالبان (یا احتمالاً به تعبیر شما همان مسلمانان اصیل) توسط سازمان‌های استخباراتی آمریکا، پاکستان و عربستان سعودی تأسیس شد و پس از مدتی و به شکل کاملاً معجزه آسا افغانستان را تسخیر کرد. پس از چندین سال و براساس نقشه همان سه کشور، طالبان باید از قدرت کنار گذاشته می‌شدند و جایش را جنبش شمال یا شورای نظار می‌گرفت. همانگونه که احتمالاً آقای غفوری هم می‌داند، نه طالبان استغفرالله شیعه اند و نه شورای نظار. قدرت از دستی به دست دیگر رفته و در این دست به دست شدن‌ها شیعه و شیعیان سهمی نداشته‌اند. آقای غفوری احتمالاً قضیه افغانستان را با عراق غلط گرفته و خیال کرده‌اند که هرچیز که احتمالاً در عراق درست باشد در افغانستان هم درست است. عراق عراق است و افغانستان افغانستان. روشن است دوست من؟ اینک هم قضیه به همان قرار است. طالبان که فرزند هماغوشی غرب با پاکستان و عربستان سعودی است همچنان نور چشمی آمریکاست. جنگ علیه تروریست یک دروغ کاپی‌تالیستی است و این دروغ دیگر حتی در کشورهای غربی هم خریداری ندارد.

۲- از نوشته شما چنین بر می‌آید که باید ادعای شیخ الحدیثی داشته باشید. اما افسوس که چراغ دودی عبدالوهاب امکان دیدن را از چشمان تان گرفته است. شیخ عزیز! به ادعای شیعیان، تشیع همان اسلام اصیل است و ولا غیر. اما به ادعای اهل سنت که شما حد اقل لفظاً آنرا قبول دارید، شیعه مذهبی است از مذاهب پنجگانه اسلام که فقه آن توسط حضرت امام جعفر صادق (ع) در حدود دهه دوم سال ۱۰۰ هجری قمری تأسیس شده است. حتماً اطلاع دارید که فقه مذاهب اربعه اهل سنت اکثراً بعد از این تاریخ بنیان‌گذاری شده‌اند (حنبلی و شافعی به ترتیب حدود هفتاد و هشتاد سال بعد از تشیع تأسیس شده‌اند). اگر منصفانه در پی فتنه‌شناسی هستید باید از مذهب عبدالوهاب نام ببرید که در همین صده پیش توسط انگلیس ساخته و پرداخته شد و هنوز که هنوز است همانند شمشیر آخته‌ای در دست دشمنان اسلام می‌چرخد و دست و دامن جهان اسلام را لکه دار می‌کند. به راستی فتنه‌ای بالاتر از فتنه "القاعده" وجود دارد؟ و شما خوبتر از هرکسی می‌دانید که این فتنه سیاه زاده و پرداخته مذهب و هابیت است. تشیع مذهب دانش، بینش و پویاست. مذهبی است که در آن رحمت اللعالمین و اهل بیت پاکش علمداران میدان‌اند و بس. خانواده‌ای که خداوند در وصف‌شان فرموده " **انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیراً**". و اینک شما، شمشیر عبدالوهاب در دست به جنگ این خانواده آمده‌اید. اگر چنین نیست چرا نام نواسه بزرگوار پیغمبر، سید و سالار جوانان اهل بهشت، حضرت امام حسین (ع) را با ادب و احترام یاد نکرده‌اید؟ همه پیروان اهل سنت می‌گویند سیدنا حسین یا حسین علیه‌السلام. مذهب شما چیست آقای غفوری؟

۳- افغانستان متعلق به همه افغان‌هاست. صرف نظر از اینکه شیعه باشد یا سنی، هندو باشد یا سیک، چپی باشد یا راستی. شما حتماً به خاطر دارید که طالبان در یک روز هزاران شیعه را در شهر مزارشریف قتل عام کردند. طالبان هم مثل شما می‌گفت که شیعیان یا باید سنی شوند یا افغانستان را ترک کنند و یا بمیرند. شیعیان به دلیل حوادث تاریخی به افغانستان نیامده‌اند دوست من. اسناد تاریخی دلالت بر حضور حد اقل ده هزار ساله اجداد شیعیان در این سرزمین می‌نمایند. گروه طالبان هم می‌خواست که سند، هویت تاریخی و موجودیت شیعیان را گلوله باران کند اما نتوانست. گمان می‌کنم که شما هم باید از آنان درس

بگیرید. دست از ترویج نفاق و تکثیر دشمنی بردارید. بهتر است گوش های تان را باز کند و بدانید که تشیع درخت تناوری است که هزاران طوفان بلا در طول بیش از هزار سال در افغانستان آنرا حتی تکان داده نتوانست اینک دیگر از فتنه مورچگان واهمه ای نیست.

یادداشت:

با تشکر از آقای "مهدوی" که بسیار عالمانه و منطقی ادعای یک جاهل ویا یک عنصر وابسته به نهاد های امنیتی استخباراتی را پاسخ گفته اند، باید بیفزائیم:

ما را همیشه عقیده بر آن بوده است که عمل هر انسان ویا نهاد اجتماعی سیاسی مبین ماهیت و ذات همان فرد ویا نهاد می باشد مگر آنکه آن عمل بر پایه مگر ودعا استوار باشد که آنهم نمی تواند جاودانه و دایمی باقی ماند. آنچه امروز در وبسایت "افغان جرمن آنلاین" انتشار یافته، دلالت بر ماهیت تفرقه افگانه و وابسته آنها به اجانب نموده ، می توان آنها را در جمع کسانی دانست که آگاهانه تیشه بر ریشه وحدت ملی کشور وارد می آورند. ما ضمن آنکه نسبت به همچو سیاست هائی انزجار عمیق خویش را ابراز می داریم و عاملین آنرا به مثابه خابنین شناسائی و محکوم می نمائیم بر این جمله دانشمند محترم آقای "مهدوی" ،

"افغانستان متعلق به همه افغان هاست. صرف نظر از اینکه شیعه باشد یا سنی، هندو باشد یا سیک، چپی باشد یا راستی."

تأکید نموده با قاطعیت اعلام میداریم که هر دو نوع تخطی از چنین بینشی ریختن آب به آسیاب دشمنان موجودیت افغانستان بوده وخیانتیست آشکار به امر وحدت وتمامیت ارضی کشور.

پاینده باد وحدت رزمنده تمام اقوام کشور

ادراه پورتال-AA-AA